



بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان (فارغ التحصیلان)، ضرورت، موانع و راهکارها

محمودبرزگر



کلیدواژه‌ها: اشتغال، دانش‌آموختگان، ارزش‌یابی

برنامه‌های درسی، نظام آموزشی.

درآمد

از این طریق اطلاعاتی در زمینه‌ی میزان اشتغال، میزان اشتغال مرتبط با رشته‌ی تحصیلی، کافی و مناسب بودن مهارت‌های آموخته‌شده، میزان درآمد، میزان کاربرد آموخته‌ها در انجام وظایف شغلی و کیفیت برنامه‌ها به‌دست آید و براساس نتایج حاصله در برنامه‌های درسی اصلاحات لازم اعمال گردد.

وضعیت موجود

در نظام آموزشی ایران، وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان یا بررسی نمی‌شود یا به‌صورت مقطعی و محدود بررسی می‌شوند. این درحالی است که تغییر در برنامه‌های درسی باید براساس مستندات علمی و پژوهشی صورت گیرد. اطلاعات حاصل از ارزش‌یابی کارایی بیرونی برنامه، یکی از منابع اصلی تجدیدنظر و تغییر اهداف برنامه‌های درسی است و تا زمانی که این کار به‌درستی انجام نگیرد، نمی‌توان انتظار داشت که ایجاد تغییرات و اصلاحات در برنامه‌های درسی، مبنای علمی و صحیح داشته باشد.

چکیده:

با توجه به این‌که وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان فنی‌وحرفه‌ای، معمولاً به‌صورت مطالعات محدود به یک استان، منطقه یا به‌صورت چند رشته و در قالب طرح‌های پژوهشی مصوب شوراهای تحقیقات استان‌ها (به‌ویژه پایان‌نامه‌های دانشجویی) بررسی می‌شود و به‌ندرت خواسته و تقاضای متولیان برنامه‌ریزی درسی است، در

ارزش‌یابی برنامه‌ی درسی بخش جدایی‌ناپذیر و ذاتی برنامه‌ریزی درسی است. همان‌گونه که برنامه‌ریزی درسی به‌صورت فرایندی مستمر انجام می‌گیرد، ارزش‌یابی برنامه‌های درسی نیز فرایندی است مستمر که همزمان با تدوین برنامه‌ی درسی و اولین مرحله‌ی آن که نیازسنجی است آغاز می‌شود و در مراحل مختلف تدوین، اجرا و پس از اجرای آن صورت می‌گیرد. برنامه‌ریزی درسی بدون ارزش‌یابی، ناقص و ناتمام است. ارزش‌یابی، همه‌ی عناصر و اجزای برنامه و همه‌ی مراحل برنامه‌ریزی درسی را دربرمی‌گیرد. بنابراین، توقف‌ناپذیر است و پایان ندارد.

ارزش‌یابی برنامه‌های درسی به مراحل طراحی و اجرای برنامه ختم نمی‌شود و خروجی و محصول برنامه (فارغ‌التحصیلان) نیز مورد ارزش‌یابی قرار می‌گیرد تا مشخص شود که اهداف مورد نظر برنامه تحقق یافته است یا خیر. براساس نتایج این ارزش‌یابی تصمیمات لازم جهت تغییر، تداوم یا توقف برنامه گرفته می‌شود.

مقدمه

با توجه به فلسفه‌ی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای مبنی بر پاسخ‌گویی به نیاز بخش‌های اقتصادی به تکنیسین و نیروی کار ماهر و به‌منظور اطمینان از تحقق این هدف، ارزش‌یابی کارایی بیرونی برنامه انجام می‌گیرد تا

اجرا نیز با موانع و مشکلاتی مواجه می‌شود.

در این نوشتار به برخی از موارد یاد شده پرداخته‌ایم. این موارد عمدتاً تجارب حاصل از انجام پژوهش‌هایی است که نگارنده در زمینه‌ی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان کاردانش انجام داده است:

۱. ضعف فرهنگ پژوهش در جامعه: این مورد همه‌ی عوامل دخیل در مطالعات مربوط به دانش‌آموختگان، از جمله عوامل داخل نظام آموزش و پرورش نظیر عوامل اجرایی و همچنین افراد و عوامل خارج از نظام آموزشی را در بر می‌گیرد. نظام آموزشی، نسبت به برون‌داد و پیامدهای برنامه و ارزش‌یابی آن حساسیت لازم را ندارد. بیش‌تر افراد جامعه ماهیت و اهمیت پژوهش را نمی‌دانند.

در مطالعات مربوط به دانش‌آموختگان، بخش‌های مختلفی، از جمله عوامل ستادی و اجرایی آموزش و پرورش، به‌ویژه مسئولان آمار و اطلاعات ادارات آموزش و پرورش، مسئولین و معاونان و رابط پژوهشی و کارشناس تحقیقات، مدیران مدارس و دفترداران و همچنین خانواده‌ها، دانش‌آموختگان، ادارات پست و مخابرات و..... به‌نوعی دخالت دارند. در این صورت، اگر درک صحیحی نسبت به وظایف و مسئولیت‌ها و مطالعات پی‌گیری وضعیت دانش‌آموختگان از سوی هریک از آنان وجود نداشته باشد، مشکلاتی جدی فراوری پژوهش و پژوهشگران قرار خواهد گرفت. ضمناً افراد مورد مطالعه (فارغ‌التحصیلان) نیز چنان‌چه از انجام این مطالعه، منافع شخصی برای خود متصور نباشند، ممکن است از پاسخ‌گویی و تکمیل پرسش‌نامه‌ها خودداری کنند.

۲. فقدان سیستم ثبت و اصلاح نشانی محل سکونت دانش‌آموختگان: با توجه به این که تنها محل دسترسی به مشخصات دانش‌آموزان، مدارس است نشانی دانش‌آموختگان، به‌ویژه در مدارس پسرانه، یا موجود نیست و یا ناقص و نادرست است. به عبارت دیگر، به ثبت دقیق و صحیح مشخصات و آخرین نشانی کلیه‌ی دانش‌آموختگان و تعیین سازوکاری برای ارتباط و دسترسی به آن‌ها پس از فراغت از تحصیل و اصلاح آدرس محل کار و سکونت آن‌ها اهمیت جدی داده نمی‌شود.

۳. تغییر یافتن پلاک منازل، اسامی کوچه‌ها و خیابان‌ها، در اختیار نبودن کد پستی ثابت و مشخص و ضعف فرهنگ استفاده از کد پستی و بی‌اطلاعی از اهمیت آن.

۴. جابه‌جایی و تغییر محل سکونت افراد، به‌ویژه در

حاشیه‌ها و مناطق مهاجرپذیر شهرها.

۵. نارسایی‌های مربوط به مبادلات پستی، که سبب می‌شود در بعضی از موارد با وجود درستی آدرس‌ها، پرسش‌نامه به‌دست افراد نمونه‌ی آماری نرسد.

۶. در اختیار نبودن شماره‌ی تلفن تماس بسیاری از دانش‌آموختگان در پرونده یا در دفاتر ثبت مدرسه، تغییر یافتن شماره‌های تلفن و مشکلات مربوط به فقدان اطلاع‌رسانی از طریق دانش‌آموختگان شرکت مخابرات، یا پاسخ‌گو نبودن آنان.

۷. نداشتن همکاری شایسته‌ی مدیران و عوامل مربوط در مناطق آموزش و پرورش و مدارس با پژوهشگران و توجه نبودن عوامل مرتبط نظیر دفترداران نسبت به ثبت آدرس افراد و اهمیت آن در اموری نظیر مطالعات دانش‌آموختگان.

۸. نبودن سیستمی در مدارس جهت حفظ و ثبت دقیق نشانی دانش‌آموختگان و نبودن مکانیزمی برای ارتباط با آنان و به‌روز کردن آدرس محل زندگی و فعالیت آن‌ها.

۹. نبودن احساس امنیت از سوی خانواده‌ها و دانش‌آموزان و احتمالاً دادن آدرس‌های نادرست و ناقص به مدارس، که سبب می‌شود دسترسی و ارتباط با آن‌ها پس از ترک نظام آموزشی با مشکلاتی همراه گردد.

۱۰. اندک بودن آگاهی عمومی: بعضی از افراد آدرس صحیح و دقیق پستی خود را نمی‌دانند، به‌گونه‌ای که حتی پس از ارتباط تلفنی و اصلاح آدرس یا اطمینان یافتن از درستی آدرس، بازهم پرسش‌نامه به مقصد نمی‌رسد و با پی‌گیری مجدد، آدرس را به‌گونه‌ای دیگر بیان می‌نمایند!

۱۱. با توجه به این که مطالعات اشتغال دانش‌آموختگان معمولاً توسط پژوهشگران در قالب طرح‌های پژوهشی با دامنه‌ی محدود و پایان‌نامه‌ی دانشجویی انجام می‌شود و آدرس مندرج در پاکت پرسش‌نامه‌های ارسالی، «شخصی» است و پرسش‌نامه‌ها مهر و آرم آموزش و پرورش را ندارند، بعضی از افراد و خانواده‌های آن‌ها اعتماد لازم را ندارند و جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه و ارسال آن تردید می‌نمایند.

۱۲. فقدان آمار و اطلاعات دقیق و منظم از دانش‌آموختگان: به نظر می‌رسد که آمار و اطلاعات دقیق و صحیح و روشنی از دانش‌آموختگان وجود ندارد. در نتیجه ممکن است آمار متفاوت و گاه متناقضی در مورد آنان

در ادارات آموزش و پرورش وجود داشته باشد. هم‌چنین مسئولان مربوط که آمار و اطلاعات مرتبط با آنان را در اختیار دارند، به هر دلیل ممکن است همکاری قابل قبولی جهت دسترسی به اطلاعات کامل و درست درباره‌ی آنان نداشته باشند.

۱۳. با توجه به تجربه‌ها و ذهنیت منفی مردم از برنامه‌های گوناگون و بی‌اعتمادی آن‌ها به برنامه‌ها از جمله پی‌گیری امور دانش‌آموختگان و هم‌چنین ناآگاهی آن‌ها از اهمیت پژوهش‌های مربوط به اشتغال آنان، اهمیتی به پرسش‌نامه‌های ارسالی داده نمی‌شود. به‌گونه‌ای که بعضی از آن‌ها حتی پس از تماس تلفنی، ناخشنودی خود را نسبت به برنامه‌هایی از این نوع، ابراز می‌نمایند. البته بعضی از خانواده‌ها پس از توجیه‌شدن نسبت به موضوع، برای تکمیل پرسش‌نامه حاضر می‌شوند.

با توجه به مشکلات فراروی پژوهش‌های مربوط به اشتغال دانش‌آموختگان، راهکارهای پیش‌نهادی به شرح زیر ارائه می‌شود:

راهکارهای پیش‌نهادی در جهت هموارکردن پژوهش‌ها
طراحی سیستمی در مدارس جهت حفظ و ثبت نشانی آنان و تداوم ارتباطشان با مدرسه و به‌روز نمودن آدرس محل زندگی و کار و حتی دریافت و ثبت اطلاعات مربوط به وضعیت اشتغال آن‌ها؛

استفاده از مشارکت افراد محلی و حتی دانش‌آموزان سال آخر متوسطه و نیروهای شاغل در مدارس در اجرای طرح‌های پژوهشی مربوط به بررسی وضعیت اشتغال آنان.

توجه بیش‌تر نهادها و مؤسسات مرتبط، مانند اداره‌ی پست، به اهمیت شماره‌ی ملی و کدپستی جهت پوشش کامل جامعه و ارائه‌ی اطلاعات کافی به مردم در این زمینه و ثبت شماره‌ی ملی و کدپستی افراد تا در صورت تغییر آدرس به‌راحتی بتوان به آن‌ها دسترسی پیدا کرد.

توجیه عوامل مرتبط، به‌ویژه مدیران مناطق، کارکنان و رابطان پژوهشی و حراست ادارات آموزش و پرورش (با تأکید بر همکاری بیش‌تر و این‌که صرفاً صادرکننده‌ی معرفی‌نامه نباشند)، هم‌چنین مدیران مدارس، معاونان مدارس و دفترداران. با توجه به این‌که دفترداران معمولاً بومی و محلی هستند، نقش به‌سزایی در ثبت دقیق آدرس افراد دارند، به‌گونه‌ای که آدرس ناقص یا حتی غلط را عمدتاً می‌توانند تشخیص دهند و در نتیجه تلاش نمایند تا

آدرس کامل و درست افراد را از آن‌ها دریافت کنند. این مسئله به میزان توجیه‌شدن و آگاهی دفترداران از اهمیت موضوع بستگی دارد و در این زمینه مدیران مدارس نقش مهمی برعهده دارند.

توجیه دانش‌آموزان سال آخر متوسطه قبل از ترک مدارس، نسبت به اهمیت دسترسی به آن‌ها پس از فراغت از تحصیل، تهیه‌ی فرم‌ها و دفترچه‌های مخصوص جهت تنظیم شدن آن‌ها توسط دانش‌آموختگان و همکاری مستمر تا تغییر وضعیت خود را مرتباً در فرم‌ها یا دفترچه‌های مزبور ثبت کنند و به مدارس ارسال دارند.

وضعیت اشتغال از طریق شوراهای تحقیقات استان‌ها با هماهنگی و مدیریت دفاتر ستادی بررسی شود تا ضمن رفع موانع اجرایی این مطالعات در ادارات و مناطق و مدارس، دانش‌آموختگان با اطمینان بیش‌تری در این مطالعات همکاری نمایند.

هماهنگی آموزش و پرورش با ادارات پست و توجیه اهمیت موضوع برای آن‌ها به‌گونه‌ای که حداکثر تلاش خود را برای رساندن پرسش‌نامه‌ها به آنان به‌کار بندند. به این منظور پرسش‌نامه‌های مربوط به آنان با پاکت‌های چاپ‌شده‌ی مشخص، که هم معرف مطالعات پی‌گیری امور دانش‌آموختگان برای عوامل توزیع واحدهای پستی باشد و هم آنان و خانواده‌شان برای پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌ها اعتماد کافی داشته باشند. زیرا خانواده‌ها به‌ویژه دانش‌آموختگان دختر ممکن است نسبت به پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌ای که از طرف شخص حقیقی ارسال شده، نگرانی‌هایی داشته باشند. این مسئله در شهرهای بزرگ، با توجه به تجربه و اطلاع مردم از ناامنی‌های مختلف، بیش‌تر محتمل است.

منابع

۱. برزگر، محمود؛ بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته‌های الکترونیک و کامپیوتر شاخه‌ی کاردانش شهر تهران، ۱۳۸۱؛ سازمان آموزش و پرورش شهر تهران.
۲. برزگر، محمود؛ بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته‌های نقشه‌کشی و حسابداری شاخه‌ی کاردانش شهرستان‌های تهران، ۱۳۸۲.
۳. مشاوران بانک جهانی (ترجمه‌ی فریده مشایخ). ارزیابی نظام‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، انتشارات آموزش ضمن خدمت، ۱۳۶۷.
۴. کالج کلمبو (ترجمه‌ی اقبال قاسمی‌پویا). آموزش تکنیسین، ۱۳۷۱؛ مؤسسه‌ی مطالعات و برنامه‌ریزی آموزشی سازمان گسترش و نوسازی صنایع.